

# اینگونه باید بود

www.ketab.ir



اینجا خانه  
شماست



شرح خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه (خطبه متقین)  
محمد صالح طیب‌نیا به کوشش فاطمه رضایی

سرشناسه: طبیب‌نیا، محمد صالح، ۱۳۵۶-  
 عنوان قرارداد: نهج البلاغه / خطبه همام شرح  
 عنوان و نام پدیدآور: این گونه باید بود، شرح خطبه ۱۹۳  
 خطبه متقین نهج البلاغه / نویسنده محمد صالح طبیب‌نیا،  
 به کوشش فاطمه رضایی، ویراستار سمیه دقاغیان،  
 مشخصات نشر: اصفهان، مهرستان، ۱۴۰۱،  
 مشخصات طاهری: ۲۰۸، ص: ۱۱/۵، ۱۲/۵، ص: ۳،  
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۶۳-۲۱-۶  
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
 یادداشت: کتابنامه، ص: ۴-۵، ۲۰۸-۲۰۹، همچنین به صورت  
 آنلاین،  
 عنوان دیگر، شرح خطبه ۱۹۳ خطبه متقین نهج البلاغه.  
 موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت -  
 ۴۰، نهج البلاغه، خطبه همام -  
 نقد و تفسیر  
 موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol - Balaghah, Khutbah  
 Homam. Commentarie  
 دره بندی کنگره: ۲۲۳/۲۲۳۸  
 دره بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱۵  
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۸۹۲۳  
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا  
 موضوع: Criticism and interpretation  
 موضوع: نتوا  
 Piety  
 شناسه افزوده: رضایی، فاطمه، ۱۳۶۳ بهمن -  
 شناسه افزوده: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰،  
 نهج البلاغه، خطبه همام، شرح  
 شناسه افزوده: Balaghah, Khutbah  
 Ali ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol -  
 Homam. Commentarie  
 دره بندی کنگره: ۲۲۳/۲۲۳۸  
 دره بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱۵  
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۸۹۲۳  
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا  
 موضوع: Criticism and interpretation  
 Khutbah Homam

اینگونه باید بود

شرح خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه خطبه متقین

نویسنده: محمد صالح طبیب‌نیا (عصره) / دکتر محمد صالح طبیب‌نیا (اصفهان)

به کوشش: فاطمه رضایی

ویراستار: سمیه دقاغیان

طراح جلد: احمد یونسی

صفحه‌آرا: حسین غلامرضائی

ناشر: مهرستان

چاپ: اول، ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

تارنما: [www.book.mehrestan.ir](http://www.book.mehrestan.ir)

رایانامه: [mehr@mehrestan.ir](mailto:mehr@mehrestan.ir)

سامانه: ۰۳۰۰۷۹۶۲۱۰۱۰۰

نشانی: اصفهان، خیابان مسجد سید، خیابان آیت الله زاهد،

کوچه ۱۵، پلاک ۳۳ - کد پستی: ۸۱۳۶۹۵۵۱۳۷

شماره تماس: ۰۳۱-۳۲۳۶۸۷۵۵

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر برای نشر مهرستان محفوظ است.



## سخن‌آغازین

مرکز «احیای اندیشه و سیره علوی» مجموعه‌ای است مردم‌نهاد و خدمتگزار در کارهای خیر فرهنگی. تمرکز این مجموعه بر تربیت و تعلیم، آن‌هم با رویکردی اسلامی و عقلانی است. این مجموعه بر این باور است که شیرین‌ترین کار عالم با همه دشواری‌ها و ظرافت‌هایش، «تربیت و تعلیم» و بهترین و مؤثرترین بستر تربیت، «خانواده» است. بنابراین، در راستای ایجاد تعالی درون‌زا و جمعی اعضای خانواده، بخشی از فعالیت‌هایش را به تولید و ترویج آثار در قالب رسانه‌های مکتوب و تصویری و محصولات فرهنگی و هنری از طریق طرح‌های مهرستان، اختصاص داده است:

• **مهرستان خانواده** به دنبال پاسخ‌گویی به مهم‌ترین مسائل خانواده با تأکید بر افزایش و به‌کارگیری مهارت‌ها از طریق معرفت‌افزایی و انس‌آفرینی و بسترسازی است.

• **مهرستان کودک و نوجوان** طرحی برای تبیین و تقویت سبک زندگی اسلامی ایرانی با تأکید بر آداب فردی و اجتماعی، از طریق تولید آثار خلاقانه و جذاب متناسب با ویژگی‌ها و نیازهای کودکان و نوجوانان عزیز در نهاد خانواده است.

• **مهرستان فرهنگی و تربیتی** در پی آن است که بخش‌های مسائل و دغدغه‌های فرهنگی و تربیتی و اجتماعی فرهیختگانی چون شما عزیزان مایه را در حد توان پاسخ دهد و موضوعاتی را طرح کند که با وجود اهمیت و شرافتی که دارند، به‌طور مستقل، به خانواده مرتبط نیستند.

اکنون یکی از آثار مهرستان فرهنگی و تربیتی، همین یار مهربانی است که در دستان شماست. حساسیت موضوع و فرهیختگی خواننده، به ما انگیزه می‌دهد بارها و بارها درون‌مایه، قالب، مراحل تولید و توزیع را بازبینی کرده تا اثری فاخر و ارزشمند تقدیم نگاه و نگرش بلند شما گرامیان کنیم. همچون گذشته، مشتاقانه منتظر دیدگاه‌های شما سروران عزیز در رایانامه [mehr@mehrestan.ir](mailto:mehr@mehrestan.ir) و بیش از پیش، مرهون مهربانی‌هایتان هستیم.

عیشتان مدام، ایام به‌کام، عزت مستدام  
مرکز احیای اندیشه و سیره علوی

## فهرست

پیشگفتار	۱۵
معنای تقوا	۱۵
تقوا در قرآن	۱۶
تقوا در روایات	۱۸
تقوا در نهج البلاغه	۱۹
معرفی خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه (خطبه متقین)	۲۱
شرح‌ها	۲۱
ویژگی‌های شرح حاضر	۲۲
مخاطب کتاب	۲۳
شیوه بیان	۲۳
منابع	۲۴
<b>فصل اول</b>	<b>۲۶</b>
زنگ بندگی ۱: مردان خدا پرده پندار دریدند	۳۰
مراتب تقوا	۳۳
زنگ بندگی ۲: کافر و کفر و مسلمان و نماز و من و عشق	۳۴
زنگ بندگی ۳: کریم، به رزق تو پرورده‌ایم	۳۶
زنگ بندگی ۴: ما خاکیان به دوش تریا سواره‌ایم	۳۷
یادگار بندگی ۱	۳۸

## فصل دوم

۴۰

زنگ بندگی ۱: خون می خورم که طاقبت تقوا شود مرا	۴۴
زنگ بندگی ۲: هر سخن وقتی و هر نکته مکانی دارد	۴۴
یادگار بندگی ۱	۴۶
تمرین بندگی ۱	۴۸
زنگ بندگی ۳: مکن حجاب وجودت لباس دنیا را	۵۰
تمرین بندگی ۲	۵۲
یادگار بندگی ۲	۶۰
زنگ بندگی ۴: پیشه خود کن تواضع، والسلام	۶۱
تمرین بندگی ۳	۶۳
زنگ بندگی ۵: در حریم اهل دل جلوه خدا بینی	۶۴
تمرین بندگی ۴	۶۶
زنگ بندگی ۶: گوش من و حلقه گیسوی یار	۶۷
تمرین بندگی ۵	۷۰
زنگ بندگی ۷: هلاک عشق جانان بی بلا نیست	۷۱
تمرین بندگی ۶	۷۶
زنگ بندگی ۸: با همه خرم امید، با همه خوفم رجاست	۷۸
تمرین بندگی ۷	۸۳

## فصل سوم

۸۴

زنگ بندگی ۱: با که گویم که در این پرده چه ها می بینم	۸۸
یادگار بندگی ۱	۹۲
آثار خداپوری	۹۲
تمرین بندگی ۱	۹۳
زنگ بندگی ۲: در این آینه بی پرده هویداست بهشت	۹۴
مراتب یقین	۹۶
یادگار بندگی ۲	۱۰۰
تمرین بندگی ۲	۱۰۲
زنگ بندگی ۳: ترسم که اشک در غم ما پرده در شود	۱۰۲
تمرین بندگی ۳	۱۰۶
زنگ بندگی ۴: نیکی به جای یاران، فرصت شمار یارا	۱۰۷
تمرین بندگی ۴	۱۰۹
زنگ بندگی ۵: با کمال عشق تو در عین نقصانم چو شمع	۱۱۰
تمرین بندگی ۵	۱۱۱



زنگ بندگی ۶: هرکه گرداند ز دنیا روی، از مردان شود	۱۱۲
تمرین بندگی ۶	۱۱۳
زنگ بندگی ۷: حریت از عفت فکر است و بس	۱۱۵
تمرین بندگی ۷	۱۱۷
زنگ بندگی ۸: نازپرورده تنعم نبرد راه به دوست	۱۱۸
تمرین بندگی ۸	۱۲۲
زنگ بندگی ۹: تن داده‌ام به اینکه بسوزم در آتش	۱۲۴
تمرین بندگی ۹	۱۲۶

### فصل چهارم

۱۲۸

زنگ بندگی ۱: خدا از ما نگیرد روزی شب زنده‌داری را	۱۳۲
تمرین بندگی ۱	۱۳۴
زنگ بندگی ۲: تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور	۱۳۵
تمرین بندگی ۲	۱۳۹
زنگ بندگی ۳: دل من هم به خدا شوق رسیدن دارد	۱۳۹
تمرین بندگی ۳	۱۴۱
زنگ بندگی ۴: آنچه شنیده گوش، آن شنوی	۱۴۲
یادگار بندگی ۱	۱۴۴
تمرین بندگی ۴	۱۴۴
زنگ بندگی ۵: از بار غم من در رکوع، ای عشق ای من در سجود	۱۴۵
تمرین بندگی ۵	۱۴۷
زنگ بندگی ۶: من لایق جنان یتیم، ای وای پس اگر	۱۴۸
تمرین بندگی ۶	۱۵۰
یادگار بندگی ۲	۱۵۱
تمرین بندگی ۷	۱۵۲

### فصل پنجم

۱۵۴

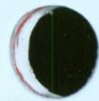
زنگ بندگی ۱: دل بی علم، چشم بی نور است	۱۵۸
علم مطلوب	۱۶۱
یادگار بندگی ۱	۱۶۲
مهر خوبان دل و دین از همه بی‌پروا برد	۱۶۳
تمرین بندگی ۱	۱۶۴
زنگ بندگی ۲: شوریده گردد عقل او، آشفته گردد خوی او	۱۶۶
یادگار بندگی ۲	۱۶۸
تمرین بندگی ۲	۱۶۹

زنگ بندگی ۳: از دست و زبان که برآید	۱۶۹
یادگار بندگی ۳	۱۷۱
تمرین بندگی ۳	۱۷۳
زنگ بندگی ۴: خویشتن را از همه کمتر شمار	۱۷۳
یادگار بندگی ۴	۱۷۵
تمرین بندگی ۴	۱۷۸

### فصل ششم

۱۸۰

زنگ بندگی ۱: اندیشه‌ات جایی رود، وانگه تو را آن جا کشد	۱۸۴
تمرین بندگی ۱	۱۸۷
زنگ بندگی ۲: چو مؤمن آینه مؤمن یقین شد	۱۸۸
یادگار بندگی ۱	۱۸۹
تمرین بندگی ۲	۱۹۰
زنگ بندگی ۳: سعدی بشوی لوح دل از نقش غیر او	۱۹۲
تمرین بندگی ۳	۱۹۴
زنگ بندگی ۴: علم آدمیت است و جوانمردی و ادب	۱۹۵
تمرین بندگی ۴	۱۹۷
زنگ بندگی ۵: سخن در استغنا و استغناغی معشوق است	۱۹۹
تمرین بندگی ۵	۲۰۰
زنگ بندگی ۶: کز بندگان نیاید کاری به جز عبادت	۲۰۰
یادگار بندگی ۲	۲۰۲
تمرین بندگی ۶	۲۰۳
زنگ بندگی ۷: صبر کن با فقر و بگذار این ملال	۲۰۵
تمرین بندگی ۷	۲۰۶
زنگ بندگی ۸: صبر کن ای دل که صبر، سیرت اهل صفاست	۲۰۷
تمرین بندگی ۸	۲۰۹
زنگ بندگی ۹: دیدن روزی ده تو، رزق حلال است تو را	۲۱۱
یادگار بندگی ۳	۲۱۲
تمرین بندگی ۹	۲۱۴
زنگ بندگی ۱۰: مطرب بگو که کار جهان شد به کام ما	۲۱۵
تمرین بندگی ۱۰	۲۱۷
زنگ بندگی ۱۱: چشم تنگ دنیا دوست را...	۲۱۹
یادگار بندگی ۴	۲۲۲
تمرین بندگی ۱۱	۲۲۳
زنگ بندگی ۱۲: بنده همان به که ز تقصیر خویش...	۲۲۴



یادگار بندگی ۵ ۲۲۵

تمرین بندگی ۱۲ ۲۲۶

### فصل هفتم

۲۲۸

زنگ بندگی ۱: ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی

تمرین بندگی ۱ ۲۳۴

زنگ بندگی ۲: ترک گدایی مکن که گنج بیابی

تمرین بندگی ۲ ۲۳۷

زنگ بندگی ۳: میر طاعت نفس شهوت پرست

یادگار بندگی ۱ ۲۴۰

تمرین بندگی ۳ ۲۴۱

زنگ بندگی ۴: مستی به چشم شاهد دلبنید ما خوش است

تمرین بندگی ۴ ۲۴۷

زنگ بندگی ۵: به عمل کار برآید، به سخن دانی نیست

تمرین بندگی ۵ ۲۵۱

### فصل هشتم

۲۵۲

زنگ بندگی ۱: بر حسب احوال دوست همه کار و بار دوست

تمرین بندگی ۱ ۲۵۹

زنگ بندگی ۲: گفتا تو بندگی کن، تو بندگی هر آید

تمرین بندگی ۲ ۲۶۰

زنگ بندگی ۳: چو حافظ در قناعت کوش و از دنیای دهر بگریز

تمرین بندگی ۳ ۲۶۶

زنگ بندگی ۴: اندرون از طعام خالی دار

تمرین بندگی ۴ ۲۶۹

یادگار بندگی ۱ ۲۷۳

زنگ بندگی ۵: گفت آسان گیر بر خود کارها

یادگار بندگی ۲ ۲۷۵

تمرین بندگی ۵ ۲۷۶

زنگ بندگی ۶: خوشا آن کس که پیرو گشت و پا بست

تمرین بندگی ۶ ۲۷۸

زنگ بندگی ۷: پاسبان حرم دل شده ام شب همه شب

تمرین بندگی ۷ ۲۸۲

زنگ بندگی ۸: گر بر سر نفس خود امیری مردی

یادگار بندگی ۳ ۲۸۵



تمرین بندگی ۸	۲۸۷
زنگ بندگی ۹: همه نیکویی کن اگر بخردی	۲۸۹
یادگار بندگی ۴	۲۹۱
تمرین بندگی ۹	۲۹۲
زنگ بندگی ۱۰: خوشا آنان که دائم در نمازند	۲۹۳
تمرین بندگی ۱۰	۲۹۶

## فصل نهم

۲۹۸

زنگ بندگی ۱: با سیاست‌های جاهل صبر کن	۳۰۲
یادگار بندگی ۱	۳۰۳
تمرین بندگی ۱	۳۰۵
زنگ بندگی ۲: دهان ببند و امین باش در سخن گفتن	۳۰۶
آثار فحاشی	۳۰۸
یادگار بندگی ۲	۳۰۸
یادگار بندگی ۳	۳۱۰
تمرین بندگی ۲	۳۱۰
زنگ بندگی ۳: به سخن راست نیاید که چه شیرین سخنی	۳۱۱
تمرین بندگی ۳	۳۱۳
یادگار بندگی ۴	۳۱۴
زنگ بندگی ۴: نیکی به جای یاران	۳۱۴
تمرین بندگی ۴	۳۱۷
زنگ بندگی ۵: از در عیش درآ و به ره عیب مپوی	۳۱۸
تمرین بندگی ۵	۳۱۹
زنگ بندگی ۶: اندکی صبر، سحر نزدیک است	۳۲۰
تمرین بندگی ۶	۳۲۱
زنگ بندگی ۷: صبر و ظفر هر دو دوستان قدیم‌اند	۳۲۲
تمرین بندگی ۷	۳۲۴
زنگ بندگی ۸: شکر منعم واجب آید در خرد	۳۲۴
یادگار بندگی ۵	۳۲۵
تمرین بندگی ۸	۳۲۸
زنگ بندگی ۹: با دوستان مروت با دشمنان مدارا	۳۲۸
یادگار بندگی ۶	۳۳۰
عادلانۀ رفتار کردن با دشمن	۳۳۱
عادلانۀ رفتار کردن با دوستان	۳۳۲
عدالت و انصاف در حق خویشتن	۳۳۴



تمرین بندگی ۹ ۳۳۷

**فصل دهم**

**۳۳۶**

زنگ بندگی ۱: آسمان بار امانت نتوانست کشید ۳۴۰

تمرین بندگی ۱ ۳۴۶

زنگ بندگی ۲: هرگز نقش تو از لوح دل و جان نرود ۳۴۶

تمرین بندگی ۲ ۳۴۹

زنگ بندگی ۳: کجاست اهل دلی تا کند دلالت خیر ۳۵۲

یادگار بندگی ۱ ۳۵۳

تمرین بندگی ۳ ۳۵۴

زنگ بندگی ۴: دلم را کرده ای همسایه عشق ۳۵۵

تمرین بندگی ۴ ۳۵۸

زنگ بندگی ۵: حرف ناهموار را هموار کردن مشکل است ۳۵۹

تمرین بندگی ۵ ۳۶۰

زنگ بندگی ۶: طریق حق رو و در هر کجا که خواهی باش ۳۶۲

یادگار بندگی ۲ ۳۶۳

تمرین بندگی ۶ ۳۶۴

زنگ بندگی ۷: لب بندگی سخن به مهر سکوت ۳۶۵

تمرین بندگی ۷ ۳۶۸

زنگ بندگی ۸: می رود عمر ولی خندیدنی باید زیست ۳۶۸

یادگار بندگی ۳ ۳۶۹

تمرین بندگی ۸ ۳۷۱

زنگ بندگی ۹: سوختم یک عمر و صبر آموختم ۳۷۲

تمرین بندگی ۹ ۳۷۴

**فصل یازدهم**

**۳۷۶**

زنگ بندگی ۱: مباحث در پی آزار و هرچه خواهی کن ۳۸۰

تمرین بندگی ۱ ۳۸۲

زنگ بندگی ۲: او یکسره در مزرعه آخرتش می کارد ۳۸۳

تمرین بندگی ۲ ۳۸۳

زنگ بندگی ۳: آن که فکرش گره از کار جهان بگشاید ۳۸۴

تمرین بندگی ۳ ۳۸۶

**فصل دوازدهم**

**۳۸۸**

زنگ بندگی ۱: گر بریزی بحر را در کوزه ای ۳۹۲

کتابنامه ۳۹۷

www.ketab.ir

## پیشگفتار

در ادبیات دینی و اخلاقی ما، تقوا جایگاه رفیعی دارد. در قرآن و سیره بزرگان دین و اخلاق، بر تقوا و آثار و اهمیت آن در عاقبت به خیری تأکید بسیار شده است. هرچند تقوا به تنهایی موضوعیت و اهمیت دارد و برای دستیابی به آن باید تلاش کرد و از خدا یاری طلبید، در عین حال، آثار و برکات آن مقدمه رسیدن به اهداف و آرزوی جان رضای الهی و رستگاری است.

## معنای تقوا

تقوا از ریشه «وَقَى» و از ماده «وَقَايَة» به معنای «نگهداری و حفاظت از چیزی است که اذیت و آزار می‌رساند»<sup>۱</sup>. این کلمه در ترجمه فارسی، برخلاف تعریف لغوی آن، کمتر به «نگهداری و حفظ» ترجمه شده است. هرگاه به صورت اسمی استعمال شود، مانند متقین یا تقوا، به پرهیزکاری ترجمه می‌شود و هرگاه به صورت فعلی آمده باشد و متعلقش هم ذکر شده باشد، خوف و ترس معنا می‌دهد. به نظر می‌رسد کسانی که تقوا را به ترس و پرهیز ترجمه کرده‌اند، تقوا را در معنی لغوی آن به کار نبرده‌اند؛ بلکه لازمه تقوا را که پرهیز و خوف است، به جای آن استعمال کرده‌اند. در معنای لغوی تقوا، خوف و ترسی دیده نمی‌شود؛ بلکه لازمه صیانت از چیزی، ترک و پرهیز است و

۱. راغب اصفهانی، المفردات، ص ۵۶۸.



صیانت و حفظ نفس، غالباً همراه با ایم و پرواست. از این رو، ترجمه صحیح تقوا «خودنگهداری» و «ضبط نفس» است.<sup>۱</sup> به تعبیر برخی بزرگان، «خویشتن پایی» یکی از دقیق ترین ترجمه ها برای تقواست.

«اصطلاح تقوا با حفظ معنای اصلی، وارد ادبیات و مفاهیم اسلامی شده و معنای دینی نگهداری نفس از گناه را پیدا کرده است؛ به طوری که نیرویی درونی معرفی شده که انسان را در برابر طغیان شهوات حفظ می کند و در واقع، نقشی مانع نیرومندی را عهده دار شده که ماشین وجود انسان را در پرتگاه ها و تندروی های خطرناک بازمی دارد. تقوا به حالت کسی تشبیه شده که در حال عبور از سرزمینی پر از خار، سعی می کند دامن خود را بالا کشد و با احتیاط گام بردارد تا مبادا توند خاری در پایش بنشیند یا دامنش را بگیرد.»<sup>۲</sup>

محدث قمی ذیل «و لا تقوا لئن مفهوم والا را توضیح می دهد. نقل شده است از کسی پرسیدند تقوا چیست؟ در جواب گفت: «هرگاه در زمینی وارد شدی که در آن خار وجود دارد، چه عملی انجام می دهی؟» سائل گفت: «خود را نگه می دارم و دوری می جویم.» گفت: «در دنیا چنین کن که آن تقواست.»<sup>۳</sup>

## تقوا در قرآن

خدا در قرآن از تقوا و مشتقات آن، ۲۵۰ مرتبه در ۲۳۹ آیه یاد کرده که حدود ۱۰۰ مرتبه، متعلق آن ذکر نشده است، مانند «هُدًی لِّلْمُتَّقِینَ»<sup>۴</sup> «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ

۱. نک: مرتضی مطهری، ده گفتار، ص ۱۷.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۸۰.

۳. عباس قمی، سفینه البحار، ج ۸، ص ۵۵۷.

۴. بقره، ۲.

لِلتَّقْوَى<sup>۱</sup>». در بقیه آیات، متعلق آن لفظ الله، رب، قیامت و آتش جهنم است:  
 «اتَّقُوا اللَّهَ»، «اتَّقُوا رَبَّكُمْ» یا «وَاتَّقُوا يَوْمًا تُجْزَى نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْنًا»<sup>۲</sup>.

بررسی نمونه‌های کاربرد این کلمه نشان می‌دهد که تقوا در قرآن به چند معنا به کار رفته است:

- ابتدایی‌ترین معنای این واژه به کاربرد آن میان اعراب پیش از اسلام برمی‌گردد که لزوماً معنای دینی یا اخلاقی نداشته و به این معناست که شخص میان خود و چیزی که از آن می‌ترسد، مانعی مادی قرار دهد تا از گزند آن حفظ شود. تعابیر «سَرَابِيلٌ تَقِيكُمُ الْخَرَّ»<sup>۳</sup> و «لِبَاسُ التَّقْوَى»<sup>۴</sup> ناظر به این معناست.

- دومین معنای تقوا در قرآن، ترس از خدا یا به تعبیر دقیق‌تر، ترس از عذاب اوست که ممکن است گناهکار در حیات دنیوی یا اخروی بدان دچار شود.<sup>۵</sup> این ترس آمیخته به احترام، محبت و آگاهی در برابر قدرت خداوند است و با ترس معمولی تفاوت دارد و در حوزه معنایی قرار دارد که مفاهیمی چون خوف و خشیت با آن هم‌معنایند.<sup>۶</sup>

- سومین معنای تقوا در قرآن، رعایت اوامر و نواهی خداوند<sup>۷</sup> یا به تعبیر دیگر، عمل به طاعت و ترک گناه است.<sup>۸</sup> به عبارت دیگر، تقوا به معنای «خدا ترسی»، آشکارترین معنای قرآنی تقواست.

۱. مانده، ۸.

۲. بقره، ۴۸ و ۱۲۳.

۳. نحل، ۸۱.

۴. اعراف، ۲۶.

۵. طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۴۰، ذیل مانده، ۲.

۶. همان، ج ۸، ص ۷۶۹، ذیل زمر، ۱۶.

۷. محمد حسین طباطبایی، المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۵، ص ۱۶۳.

۸. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۱۸ و ج ۲، ص ۸۲۳.



• چهارمین معنا حاکی از نوعی حالت قلبی و ملکه نفسانی است. حصول این معنا به تبعیت از اوامر و نواهی خداوند و مداومت بر آن منوط است تا آن حال، به اصطلاح عالمان اخلاق، به «ملکه» و نزد اهل عرفان، به «مقام» تبدیل شود. به این ترتیب، عمل به طاعت و اجتناب از معصیت، شرط لازم برای رسیدن به تقواست. تعبیر **«لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»** یا **«لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ»** در پایان آیاتی که احکام و حدود الهی را بیان می‌کنند، بر این معنا دلالت دارد.<sup>۱</sup>

## تقوا در روایات

وجه اخلاقی تقوا در روایات آشکار است. در سخنان امام علی عَلَيْهِ السَّلَام تقوا در رأس اخلاق نیکو معرفی شده است.<sup>۲</sup> از جمله ویژگی‌های اهل تقوا عبارت است از: صبر و حلم، صلح‌جویی، امانت‌داری، دوری از حسد، حق‌گویی گرچه به زیان گوینده، عدالت، صدق گفتن و وفای به عهد، دوری از بخل و تفاخر، مهربانی با ضعیفان، بخشش نیکو، حُسن خلق و پیروی از علمی که موجب تقرب به خداوند شود.<sup>۳</sup> همچنین، اهل تقوا کمترین بهره‌مندی از دنیا دارند و بیشترین بهره را به دیگران می‌رسانند. محاسبه نفس از دیگر صفات متقین است که در احادیث بارها بر آن تأکید شده است.<sup>۴</sup>

طبیعتاً برای کسانی که در جایگاه اجتماعی و منصبی قرار می‌گیرند و در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی اقتداری به دست می‌آورند، به اقتضای این اقتدار، فرصت‌ها و آسیب‌ها نیز زیاد می‌شود. از این رو، باید مراقب باشند دچار آسیب نشوند و توجه داشته باشند مقام و شهرت و اعتبار،

۱. برای نمونه رجوع کنید به: بقره، ۱۸۷؛ انعام، ۱۵۳.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۱۰.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۸۲.

۴. حز عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۹۸.



امانتی الهی است که نباید به آن خیانت کنند. هرکس به میزان مسئولیتش، باید از خود، بیشتر مراقبت کند.

## تقوا در نهج البلاغه

تقوا جزء رایج‌ترین کلمات نهج البلاغه است. در کمتر کتابی مانند نهج البلاغه بر عنصر تقوا تکیه و ابعاد و نقش آن در سعادت دنیا و آخرت تبیین شده است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

از خدا بترسید، ترسیدن کسی که دامن همت به کمر بسته و خود را آماده و از علاقه‌ها جدا ساخته است و با چالاکی تلاش کرده و در فرصتی که داشته کوشیده و از بیم تمام شدن مهلت، به سوی عمل مستأنف و در بازگشت به آخرت و عاقبت کار و برگشت به حساب، در اندیشه نماند است!

«در امیرالمؤمنین علیه السلام عدالت شخصی در حدّ اعلی بود؛ همان چیزی که از آن به تقوا تعبیر می‌کنیم. همین تقواست که در عمل سیاسی او، در عمل نظامی او، در تقسیم بیت‌المال توسط او، در استفاده او از بهره‌های زندگی، در هزینه‌کردن بیت‌المال مسلمین، در قضاوت او و در همه شئون او، خودش را نشان می‌دهد. در واقع، در هر انسانی، عدالت شخصی و نفسانی او، پشتوانه عدالت جمعی و منطقۀ تأثیر عدالت در زندگی اجتماعی است. نمی‌شود کسی در درون خود و در عمل شخصی خود، تقوا نداشته باشد، دچار هوای نفس و اسیر شیطان باشد؛ اما ادعا کند که می‌تواند در جامعه عدالت را اجرا کند. چنین چیزی ممکن نیست. هرکس که بخواهد در محیط زندگی مردم منشأ عدالت شود، اول باید در درون خود، تقوای الهی را رعایت کند. تقوا



یعنی مراقبت برای خطانکردن و این مراقبت باید همیشگی باشد تا بتواند آثار و برکاتش را در حوزه‌های مختلف زندگی نشان بدهد.<sup>۱</sup>

معنای تقوا در اندیشهٔ امیر مؤمنان علیه السلام از معنای قرآنی آن جدا نیست. این واژه در نهج البلاغهٔ نیرویی درونی است که بر اثر تمرین‌های زیاد پدید می‌آید و پرهیزهای معقول و منطقی از یک سو، سبب و مقدمهٔ پدید آمدن این حالت معنوی است و از طرف دیگر، معلول و نتیجهٔ آن و یکی از لوازم تقواست، نه اینکه مترادف با لفظ تقوا باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

بندگان خدا، شما را به تقوا و پروای از خدا سفارش می‌کنم که توشهٔ سفر و پناهگاهی است که به مقصد می‌رساند، از عذاب می‌رهاند و شنوندهٔ ترین دعوت‌کنندگان، به سوی آن فراخوانده و بهترین بندگان، آن را پذیرفته‌اند. پس دعوت‌کننده به تقوا، آن را به گوش مردم رسانده و پذیرنده‌اش رستگار شده است. بندگان خدا، تقوای الهی را از سوی خدا را از ارتکاب محرمات بازداشت و دلشان را با ترس از خدا همراه ساخت؛ به گونه‌ای که شب‌ها بیدارشان می‌دارد و در گرمای روز، به خورهٔ واهی دارد. پس، آسایش فردا را با رنج امروز و سیرابی فردا را با تشنگی امروز به دست آوردند. مرگ را نزدیک شمردند و به عمل نیکو مبادرت ورزیدند، آرزو را دروغ دانستند و مرگ را در نظر آوردند.<sup>۲</sup>

شاید این قسمت از خطبهٔ ۱۱۴ را بتوانیم چکیدهٔ نگاه نهج البلاغهٔ به تقوا بدانیم.

با اینکه در لابه‌لای خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمه‌های قصار امام علی علیه السلام اوصاف روحی و رفتاری متقیان مطرح شده، در خطبهٔ ۱۹۳، معروف به خطبهٔ هَمَام، به صورت یکجا و همه‌جانبه، این صفات شرح داده شده است. از این رو، بر

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران، ۲۶ اسفند ۱۳۷۹.

۲. نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۱۴.





خود لازم دانستیم در این مکتوب، نگاهی به این خطبه کرده و ویژگی‌های متقین را بازخوانی کنیم. امید است چراغ راهمان برای متخلق شدن به تقوا باشد.

«آمین یا رب العالمین..»

## معرفی خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه (خطبه متقین)

این خطبه را به اعتبار اینکه در وصف پرهیزکاران است، «خطبه متقین» و نیز به اعتبار نام درخواست‌کننده، «همام» نامیده‌اند. محور این خطبه چنان‌که از نامش پیداست، توصیف متقین یا پرهیزکاران است. امام علیه السلام در این خطبه رفتار فردی و اجتماعی متقین و نحوه عبادت و نگاهشان به خویشان را ترسیم می‌کنند.

### شرح‌ها

این خطبه علاوه بر اینکه در شروح ترتیبی نهج البلاغه تفسیر شده است، شرح‌های مستقلی نیز برای آن نگاشته شده که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- اوصاف المتقین، محمد شریفی اشکوری؛
- اوصاف متقین: ترجمه و شرح و تفسیر خطبه همام نهج البلاغه، قادر فاضلی، به مقدمه محمدتقی جعفری؛
- شرح خطبه متقین (شرح حدیث همام)، محمدتقی مجلسی، به تصحیح و تحشیه جویا جهانبخش؛
- صفات متقین در کلام مولای متقیان (به شعر فارسی): شرح خطبه امیرالمؤمنین، حضرت علی علیه السلام به همام، سروده محمدعلی محمدی (امید)؛



- متقین، گلهای سرسبد آفرینش: دریافتی از خطبه همّام نهج البلاغه، مهدی شجاعی؛
- نعمة الہی: شرح منظوم و ترجمه خطبه متقین از نهج البلاغه، مهدی الہی قمشہ‌ای؛
- آئینہ پرهیزکاران: شرح خطبه همّام (فارسی)، سید ابراہیم علوی خوئی؛
- تیبہ العباد: شرح خطبه همّام، محمد جواد بن محمد علی بن جعفر تستری (متوفای ۱۳۲۵)؛
- درّ تمین: شرح خطبه همّام (فارسی)، شیخ عبدالحسین بن شیخ محمد طاہر دزفولی (متوفای ۱۳۳۹)؛
- شرح خطبه همّام، میرآصف قزوینی، (متوفای ۱۱۴۰)؛
- شرح خطبه همّام، میرزا ابوالقاسم بن میرزا احمد اصطهباناتی معروف بہ علامہ، (متولد ۱۳۱۱)؛
- شرح خطبه همّام، محمد تقی بن حسین علی ہروی (متوفای ۱۲۹۹)؛
- شرح خطبه همّام، حسین بن علی بن محمد تقی، (متولد ۱۳۳۱)؛
- شرح خطبه همّام، سید علاءالدین گلستانہ اصفہانی، (متوفای ۱۱۱۰)؛
- شرح منظوم خطبه همّام (فارسی)، جواد نوربخش کرمانی، ۱۳۷۱ق؛
- نور الیقین، شرح و ترجمه خطبه همّام، حسین شفیعی، ۱۳۷۲؛
- اوصاف پارسایان: شرح خطبه امام علی علیہ السلام درباره متقین، عبدالکریم سروش.

### ویژگی‌های شرح حاضر

با وجود شروح زیادی که بر این خطبه نگاشته شده است، تلاش می‌کنیم در این شرح، برخی نکته‌ها و وجوه تمایز را در نظر گیریم.

۱. نسخه آن را شیخ عبدالنبی قزوینی، مؤلف تتمیم امل الآمل دیده است.



## مخاطب کتاب

یکی از مشکلات کتب تألیفی، مشخص نبودن مخاطب آن هاست. مخاطبان اصلی این کتاب، قشر تحصیل کرده و علاقه‌مندان به درک معارف عمیق دینی‌اند که اگرچه دانش تخصصی فهم معارف قرآن و اهل بیت: را ندارند، قدرت فهم این معارف را دارند. از این رو، این شرح را به صورت کتاب کار تنظیم می‌کنیم. در این کتاب می‌کوشیم با پرهیز از مغلق‌گویی و بدون استفاده از اصطلاحات تخصصی، معارف عمیق قرآن و نهج البلاغه را با بیانی شیوا و ساده و با ذکر مثال، داستان، شعر و... برای مخاطب تبیین کنیم. از این رو، مباحث عمیق عقلی، فلسفی، روایی و تفسیری را از میانه متن خارج کرده و در قالب بحث تکمیلی، در آخر برخی فصول می‌آوریم و همواره مراقبیم در توضیح این معارف، گرفتار ساده‌انگاری و سطحی‌نگری نشویم.

### شیوه بیان

همان‌طور که اشاره کردیم، این شرح را در قالب کتاب کار تنظیم می‌کنیم تا مخاطب، گام به گام، به محتوای خطبه دست یابد و بتواند معارف خطبه را بهتر درک کند. از این رو، کل خطبه را به دوازده بخش تقسیم می‌کنیم. هر یک از این بخش‌ها که شامل چندین صفت از پرهیزکاران است، یک فصل کتاب را تشکیل می‌دهد. در ابتدای هر فصل، کل عبارت مدنظر را که مفهومی به هم پیوسته را منتقل می‌کند، به همراه ترجمه فارسی آن می‌آوریم. در ادامه، هر یک از صفات متقین را در قالب بخشی مستقل که آن را از سایر بخش‌ها متمایز می‌کند، تبیین می‌کنیم. شرح هر بخش شامل این قسمت هاست:

- متن عربی هر بخش، به همراه ترجمه فارسی آن؛



- لغات مهم متن، به همراه ترجمهٔ لفظ، تحت عنوان «واژگان»؛
- بیان شرح هر بخش به صورت مستقل با استفاده از مباحث لغوی ذکر شده، آیات قرآن، سایر کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگر حضرات معصوم علیهم السلام تحت عنوان «شرح کلام»؛

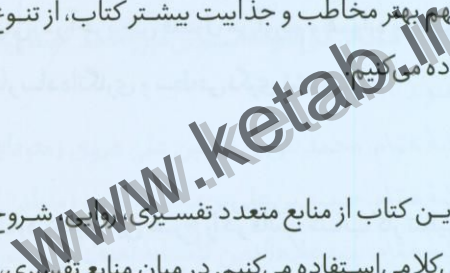
- تفکیک اوصاف متقین و تبیین هریک از آنها تحت عنوان «زنگ بندگی»؛
- آوردن تمثیل، داستان، شعر و... به فراخور مباحث ذکر شده در هر بخش، با عنوان «یادگار بندگی»؛

- بیان مهارت‌های کاربردی برای کسب فضیلت ذکر شده در هر بخش، تحت عنوان «تمرین بندگی»؛

به منظور فهم بهتر مخاطب و جذابیت بیشتر کتاب، از تنوع رنگ و فونت و قالب استفاده می‌کنیم.

### منابع

در تألیف این کتاب از منابع متعدد تفسیری الاصحاح، شروح نهج البلاغه و کتب فلسفی کلامی استفاده می‌کنیم. در میان منابع تفسیری، از تفسیر المیزان مرحوم علامه طباطبایی و تفسیر نمونه از آیت‌الله مکارم شیرازی و نیز تفسیر موضوعی و تفسیر تسنیم علامه جوادی آملی، بیشتر بهره می‌بریم. از میان شروح معروف نهج البلاغه هم، بیشتر از شرح نهج البلاغه ابن میثم، پیام امام، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، منهاج البراعه علامه خویی و ترجمه و تفسیر نهج البلاغه علامه جعفری استفاده می‌کنیم. در مباحث فلسفی و کلامی، آثار علامه طباطبایی و ملاصدرای شیرازی و در مرتبهٔ بعد، آثار آیت‌الله جعفر سبحانی را سرلوحهٔ کار خود قرار می‌دهیم. پس از پژوهش دربارهٔ ترجمه‌های بسیاری که از نهج البلاغه وجود دارد، ترجمهٔ دکتر علی شیروانی را از همه



مناسب‌تر دیدیم؛ از این‌رو در ترجمه عبارات از متن ترجمه او استفاده می‌کنیم؛ اما در جاهایی که ترجمه مترجم را گویا ندانیم، عبارات خود را به جای آن می‌آوریم.

در پایان لازم می‌دانم از سرکار خانم رضایی که با حوصله و صبر فراوان، متن مکتوب صوت‌های سخنرانی و دست‌نوشته‌های این‌جانب را با دقت، مطالعه، بازبینی، ویراستاری علمی و بازنویسی کردند، صمیمانه تشکر کنم.

محمد صالح طیب‌نیا

عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)